

[بررسی روش تعویض اسناد در تصحیح طریق شیخ طوسی 1](#_Toc93738073)

[طریق شیخ طوسی به علی بن حسن بن فضال 1](#_Toc93738074)

[بررسی وثاقت احمد بن عبدون 2](#_Toc93738075)

[بررسی وثاقت علی بن محمد بن زبیر 2](#_Toc93738076)

[توضیح روش تعویض اسناد 3](#_Toc93738077)

[اشکال اول: عدم صحت تطبیق روش تعویض اسناد در طریق شیخ به علی بن حسن بن فضال 5](#_Toc93738078)

[اشکال دوم: اشکال کبروی در روش تعویض اسناد 7](#_Toc93738079)

**موضوع**: اشتراط بلوغ در زکات /من تجب علیه الزکه /زکات

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## بررسی روش تعویض اسناد در تصحیح طریق شیخ طوسی

مرحوم آقای خویی طریق شیخ طوسی به علی بن حسن بن فضّال را با روشی به نام تعویض اسناد، تصحیح می کنند. ایشان سابقا طریق به علی بن حسن بن فضال را ضعیف می دانستند و روایات او را نمی پذیرفتند اما بعدا با روش تعویض اسناد، این طریق را تصحیح می کنند.

### طریق شیخ طوسی به علی بن حسن بن فضال

اصل طریق شیخ طوسی به علی بن حسن بن فضال که در فهرست ذکر شده، این است:

أخبرنا بجميع كتبه قراءة عليه أكثرها و الباقي إجازة أحمد بن عبدون عن علي بن محمد بن الزبير سماعا و إجازة عنه.[[1]](#footnote-1)

به این معنا که من نزد احمد بن عبدون، اکثر کتاب های علی بن حسن بن فضال را قرائت کردم و بقیه را اجازه گرفتم. احمد بن عبدون نیز با سماع و اجازه از علی بن محمد بن زبیر و او نیز از علی بن حسن بن فضال، این کتاب ها را نقل می کند.

هر چند علامه «عُبدون» ضبط کرده اما ذوقا «عَبدون» صحیح به نظر می رسد. کلماتی مانند «علی» به «عَلّون» و «حسن» به «حَسّون» تبدیل می شده است و به همین دلیل «عَبدون» قریب تر به نظر می رسد. در کتب ضبط عربی، اسم «عَبدون» ضبط شده است ولی علامه خصوص این را «عُبدون» ضبط کرده است و علی القاعده «احمد بن عَبدون» نیز باید مانند آنها باشد. منشأ ضبط «عُبدون» می تواند نسخ خطی یا قرائت باشد.

#### بررسی وثاقت احمد بن عبدون

در این طریق، احمد بن عَبدون یا احمد بن عبد الواحد توثیق صریح ندارد و مرحوم آقای خویی از طریق مشایخ نجاشی او را توثیق می کند. وثاقت مشایخ نجاشی می تواند دو معنا داشته باشد:

1. هر کسی که نجاشی از او و لو یک روایت، نقل کند، ثقه است.
2. هر کسی که نجاشی از او اکثار دارد، ثقه است.

معنای توثیق مشایخ نجاشی هر یک از این دو معنا باشد، خصوصیتی برای نجاشی وجود ندارد. تنها درباره ابن ابی عمیر، صفوان، بزنطی و جعفر بن بشیر است که روایت کم آنها از یک راوی، دلیل بر وثاقت تلقّی می شود و نجاشی از این ناحیه خصوصیتی ندارد. مرحوم آقای خویی استدلالات ناتمامی کردند که وارد بحث از آن نمی شویم.

اگر اکثار نجاشی موجب توثیق مروی عنه شود، باز نجاشی هیچ خصوصیتی ندارد و اکثار همه بزرگان از یک راوی، موجب توثیق مروی عنه است و تفاوتی بین نجاشی و دیگران نیست.

به هر حال، احمد بن عبدون از مشایخ اصلی طایفه و از مشایخ نجاشی و شیخ طوسی است. شیخ طوسی چهار شیخ اصلی دارد: شیخ مفید، حسین بن عبید الله غضائری، احمد بن عبدون، ابن ابی جید که هر چهار نفر از مشایخ نجاشی نیز هستند. در وثاقت این مشایخ که مشایخ عمده طایفه هستند، بحثی نیست. پس تردیدی در وثاقت احمد بن عبدون نیست.

#### بررسی وثاقت علی بن محمد بن زبیر

اشکال اصلی مرحوم آقای خویی متمرکز بر علی بن محمد بن زبیر است. ما به صورت مفصّل در این باره بحث کردیم که چکیده آن را بیان می کنیم.

علی بن محمد بن زبیر از مشایخ معروف طایفه است و احمد بن عبدون از او روایت می کند. هر چند روشن نیست که امامیه اثنا عشریه باشد اما گرایش شیعیانه داشته است. اکثار روایت احمد بن عبدون و مانند او، دلیل بر وثاقت اوست. همچنین در کتب عامه از علی بن محمد بن زبیر با نام ابو الحسن نحوی ادبی یاد می کنند و درباره او می نویسند: «الامام الثقه المتقن»[[2]](#footnote-2) با وجود اینکه گرایشات شیعیانه او را ذکر می کنند. به این دلیل که معمولا عامه نسبت به کسی که گرایش شیعیانه دارد بسیار حسّاس هستند و کوچکترین نقطه ضعف او را پررنگ می کنند پس حتما علی بن محمد بن زبیر جایگاه بلندی نزد آنها داشته است. علی بن محمد بن زبیر از مشایخ شیخ مفید است. علی بن محمد بن زبیر سال 348 ه ق از دنیا رفته است و شیخ مفید بنابر تحقیق متولد 336 ه ق یا 338 ه ق علی قول آخر است و در زمان حیات علی بن محمد بن زبیر کم سن بوده و اجازهً از او روایت می کند. به احتمال زیاد پدر شیخ مفید که معلّم بوده و به مناسبت او شیخ مفید را ابن المعلّم می گفتند، از علی بن محمد بن زبیر برای پسرش اجازه روایت گرفته است.

همه این مطالب نشان می دهد که علی بن محمد بن زبیر، شخص مهمی در طایفه بوده که افراد از او اخذ حدیث و اجازه روایی می کردند. خود شیخ مفید نیز هر چند در کودکی از او تحمّل حدیث کرده، اما در سن بزرگی روایات علی بن محمد بن زبیر را نقل کرده و همین نشانگر اعتماد اوست. پس در وثاقت علی بن محمد بن زبیر تردید نیست.

پس این طریق بنابر تحقیق صحیح است. منهای بحثی که در جلسه گذشته بیان شد که کتب حسن بن علی بن فضال، کتب معروفی داشته و کتب او، کتاب های درسی حدیثی بوده است و کتاب هایی بوده که محور دراست حدیث بوده است. کتاب های او جزو کتاب های اصلی که شیخ طوسی در تهذیبین مفصّل از آن نقل می کند که بنده در جایی به صورت مفصّل این نقل ها را استخراج کردم. بنابراین مبنا که مطلقا در طریق به کتب یا لا اقل در طریق به کتب مشهور، نیاز به بررسی سند نیست، منقولات از کتاب حسن بن علی بن فضال معتبر است و حتی به نظر ما، طریق مذکور به کتب حسن بن علی بن فضال معتبر است.

### توضیح روش تعویض اسناد

مرحوم آقای خویی با این روش ها موافق نیستند و با روش دیگری می خواهند این طریق را تصحیح کنند. این روش در مقدمه معجم رجال اشاره شده و مکرّر در کتاب های ایشان، این روش تصدیق شده است. ایشان در مقدمه معجم رجال الحدیث اشاره می کنند که اگر طریق شیخ به یک راوی در مشیخه ضعیف باشد اما در فهرست صحیح باشد، برای تصحیح کفایت می کند. سپس می نویسند:

بل لو فرضنا أن طريق الشيخ إلى كتاب ضعيف في المشيخة و الفهرست و لكن طريق النجاشي إلى ذلك الكتاب صحيح، و شيخهما واحد حكم بصحة رواية الشيخ عن ذلك الكتاب أيضا، إذ لا يحتمل أن يكون ما أخبره شخص واحد كالحسين بن عبيد الله الغضائري مثلا للنجاشي مغايرا لما أخبر به الشيخ، فإذا كان ما أخبرهما به واحدا و كان طريق النجاشي إليه صحيحا: حكم بصحة ما رواه الشيخ عن ذلك الكتاب لا محالة و يستكشف من تغاير الطريق أن الكتاب الواحد روي بطريقين، قد ذكر الشيخ أحدهما، و ذكر النجاشي الآخر.[[3]](#footnote-3)

این ضابطه، نوعی تعویض سند است که بخواهیم با استفاده از طریق نجاشی، طریق شیخ را تصحیح کنیم. ایشان به این ضابطه در مواضع متعدّدی اشاره کردند از جمله: موسوعه الامام الخویی، ج 7 ص 70، ج 21 ص 298، ج 22 ص 227 و 354، ج 24 ص 180 و 376، ج 26 ص 245 و ...

یکی از این موارد که مقداری توضیح بیشتری دارد را با هم می خوانیم. ایشان در موسوعه ج 21 ص 479، روایتی را نقل می کنند و آن را معتبره می دارند. سپس می فرمایند:

فإنّها و إن كانت مرويّة بطريق الشيخ إلى علي بن الحسن بن فضّال الذي هو ضعيف، لاشتماله على علي بن محمد بن الزبير القرشي إلّا أنّنا صحّحنا هذا الطريق أخيراً، نظراً إلى أنّ الشيخ الطوسي يروي كتاب ابن فضّال عن شيخه عبد الواحد أحمد بن عبدون (احمد بن عبد الواحد، باید تعبیر می شد.) و هذا شيخ له و للنجاشي معاً، و طريق النجاشي إلى الكتاب الذي هو بواسطة هذا الشيخ نفسه صحيح. و لا يحتمل أنّ الكتاب الذي أعطاه للنجاشي غير الكتاب الذي أعطاه للطوسي، فإذا كان الشيخ واحداً و الكتاب أيضاً واحداً و كان أحد الطريقين صحيحاً فلا جرم كان الطريق الآخر أيضاً صحيحاً بحسب النتيجة، غايته أنّ لعبد الواحد (لاحمد بن عبد الواحد باید تعبیر می شد) طرقاً إلى الكتاب نقل بعضها إلى الشيخ و البعض الآخر إلى النجاشي، و كان بعضها صحيحاً دون الآخر. و قد صرّح النجاشي أنّه لم يذكر جميع طرقه

دو بحث درباره این عبارت وجود دارد:

1. آیا نفس این مطلب صحیح است؟
2. آیا تطبیق آن بر علی بن حسن بن فضال صحیح است؟

### اشکال اول: عدم صحت تطبیق روش تعویض اسناد در طریق شیخ به علی بن حسن بن فضال

ابتدا بحث تطبیقی را بیان می کنیم و سپس درباره صحت روش، بحث خواهیم کرد.

کلام آقای خویی در معجم رجال ابهام دارد، اما با توجه به توضیحی که در کتاب الصوم شرح عروه دادند، روشن می شود که تطبیق این قاعده بر طریق شیخ طوسی به علی بن حسن بن فضال، نادرست است. در توضیح باید گفت:

طریق شیخ طوسی به علی بن حسن بن فضال و طریق نجاشی به علی بن حسن بن فضال، عین یکدیگر است و در هر دو علی بن محمد بن زبیر واقع شده است. بله نجاشی طریق دیگری دارد که از طریق احمد بن عبد الواحد نیست و از طریق محمد بن جعفر است که صحیح می باشد. اما توضیحی که ایشان بیان کرده، بر این طریق تطبیق نمی شود. ایشان بیان کرده بود: احتمال نمی رود شیخ واحد، دو کتاب متفاوت را به نجاشی و شیخ طوسی بدهد. هر چند این مطلب صحیح است اما شیخ واحد که احمد بن عبدون باشد، برای شیخ طوسی و نجاشی از طریق علی بن محمد بن زبیر، نقل کرده است و در طریق دیگر، احمد بن عبد الواحد واقع نشده است و محمد بن جعفر شیخ نجاشی است. پس نمی توان با توجه به این استدلال، طریق شیخ طوسی که در آن محمد بن جعفر نیست را تصحیح کرد.

عبارت معجم رجال اندماج دارد چون ایشان تعبیر کرده است: أن الكتاب الواحد روي بطريقين، قد ذكر الشيخ أحدهما، و ذكر النجاشي الآخر در حالی که در شرح عروه بیان می کند: خود احمد بن عبد الواحد دو طریق دارد که یک طریق را برای شیخ ذکر کرده و طریق دیگر را برای نجاشی ذکر شده باشد. طبق این تفسیر، احمد بن عبد الواحد باید دو طریق داشته باشد در حالی که احمد بن عبد الواحد دو طریق ندارد. نجاشی در رجال بعد از ذکر کتب علی بن حسن بن فضّال می نویسد:

قرأ أحمد بن الحسين كتاب الصلاة و الزكاة و مناسك الحج و الصيام و الطلاق و النكاح و الزهد و الجنائز و المواعظ و الوصايا و الفرائض و المتعة و الرجال على أحمد بن عبد الواحد في مدة سمعتها معه و قرأت أنا كتاب الصيام عليه في مشهد العتيقة عن ابن الزبير عن علي بن الحسن و أخبرنا بسائر كتب ابن فضال بهذا الطريق. و أخبرنا محمد بن جعفر في آخرين عن أحمد بن محمد بن سعيد عن علي بن الحسن بكتبه.[[4]](#footnote-4)

در زمان های گذشته، معمولا کتاب را شاگرد قرائت می کرده و استاد پس از شنیدن یا تأیید می کرده یا توضیح ذیل آن می داده است. گاهی اوقات هم یک شاگرد قرائت می کرده و دیگران می شنیدند. در اینجا هر دو شکل اتفاق افتاده است. احمد بن حسین بن عبید الله الغضائری هر چند با نجاشی رفیق بوده ولی نسبت به او بزرگتر بوده است و پسر حسین بن عبید الله استاد نجاشی و شیخ نیز بوده است. نجاشی می گوید: احمد بن حسین کتاب های علی بن حسن بن فضّال را بر احمد بن عبد الله می خواند و من می شنیدم و خودم کتاب صیام را مجدّدا بر او قرائت کردم. ادامه طریق احمد بن عبد الواحد از ابن زبیر که همان علی بن محمد بن زبیر است، می باشد. نجاشی در ادامه می گوید: احمد بن عبد الواحد سائر یعنی جمیع کتب ابن فضال را به این طریق اخبار داده است. طریق های قبل، طریق قرائتی بوده است اما این طریق، طریق اجازه ای است که احمد بن عبد الواحد اجازه عامی به من داد که از علی بن محمد بن زبیر از علی بن حسن بن فضال، کتب علی بن حسن بن فضال را نقل کنم. پس عن ابن زبیر هم در قرائت احمد بن حسین بر احمد بن عبد الواحد وجود داشت و هم در قرائت کتاب صیام توسط نجاشی بر احمد بن عبد الواحد، واقع است. اجازه ای که احمد بن عبد الواحد به سائر کتب علی بن حسن بن فضال داد نیز، عن ابن الزبیر است.

نجاشی در ادامه طریق دیگری ذکر کرده است: و أخبرنا محمد بن جعفر في آخرين عن أحمد بن محمد بن سعيد عن علي بن الحسن بكتبه محمد بن جعفر مؤدّب را آقای خویی تصحیح می کنند و در وثاقت احمد بن محمد بن سعید بن عقده معروف بحثی نیست. «آخرین» به معنای در جماعت دیگر است و تنها نبوده است. در توضیح باید گفت: این طرق، اجازات عامی است که اساتید نجاشی به او می دادند. ایشان نام یکی از اساتید را آورده است و می گوید: سایر اساتید نیز این طریق را آورده اند. نجاشی در ترجمه احمد بن محمد بن سعید، می نویسد: هذه الكتب التي ذكرها أصحابنا و غيرهم ممن حدثنا عنه و رأيت له كتاب تفسير القرآن و هو كتاب حسن [كبير] و ما رأيت أحدا ممن حدثنا عنه ذكره و قد لقيت جماعة ممن لقيه و سمع منه و إجازة منهم من أصحابنا و من العامة و من الزيدية.[[5]](#footnote-5) به این معنا که من جماعتی از امامیه، عامه و زیدیه را درک کردم که همه آنها واسطه بین من و احمد بن محمد بن سعید هستند. احمد بن محمد بن سعید بن عقده، شخصیت مهمی بوده که مشایخ مهم آن عصر از او روایت کرده بودند. «اخبرنا محمد بن جعفر فی آخرین» نیز به این معناست که محمد بن جعفر در میان جماعت دیگری که برخی از عامه، برخی از زیدیه و برخی از اصحابنا بودند، به من اخبار کرده است.

همانگونه که روشن شد، روش مرحوم آقای خویی در کتب علی بن حسن بن فضّال جوابگو نیست.

### اشکال دوم: اشکال کبروی در روش تعویض اسناد

فرض کنیم: احمد بن عبد الواحد دو طریق داشت و طریق مذکور در رجال نجاشی صحیح بود و طریق فهرست شیخ ضعیف بود، با این فرض، استدلال شده که کتابی که احمد بن عبد الواحد به نجاشی روایت کرده با کتابی که احمد بن عبد الواحد به شیخ روایت کرده، کتاب واحدی است. هر چند این مطلب صحیح است، اما؛

* آیا می توان اثبات کرد نسخه ای که به شیخ داده با نسخه ای که به نجاشی داده، واحد بوده است؟ این مطلب با این فرض است که این طرق برای اعتبار نسخه است و اجازات همراه با مناوله نسخه بوده است. در این فرض، به چه دلیل نسخه ای که احمد بن عبد الواحد به نجاشی داده است همان نسخه ای است که به شیخ طوسی داده است؟
* اگر این طریق، اصل انتساب کتاب به مؤلف را اثبات می کند، این مطلب اهمیتی ندارد و مهم، صحت نسخه است. به خصوص آنکه اصل انتساب کتب علی بن حسن بن فضال به او مورد شک و تردید نیست چنانچه در کتب مشهوره، اصل انتساب به کتاب محلّ بحث نیست.

اگر راهکاری که برای تصحیح نسخه بیان شد که نقل شیخ طوسی و نجاشی، شهادت به نقل کردن از کتاب معتبر علی بن حسن بن فضال است را بپذیریم، نیازی به راهکار تعویض اسناد نیست. اما اگر بگوییم برای اعتبار سنجی باید طریق شیخ طوسی را نیز بررسی کرد و صرف آنکه شیخ طوسی طریق را معتبر می دانسته کفایت نمی کند، روش تعویض اسناد چگونه می تواند اثبات کند نسخه ای که احمد بن عبد الواحد به نجاشی داده با نسخه ای که به شیخ داده، وحدت دارد؟

از این بیان روشن می شود، با طریق دیگر نجاشی به هیچ وجه نمی توان طریق شیخ را تصحیح کرد و صحت نسخه ای که در اختیار شیخ طوسی بوده است را اثبات کرد. اگر به فرض، بپذیریم که نسخه ای که احمد بن عبد الواحد به نجاشی داده با نسخه ای که به شیخ طوسی داده یکسان است، چه دلیلی وجود دارد که محمد بن جعفر نیز همان نسخه ای از کتب علی بن حسن بن فضال را داشته که در اختیار احمد بن عبد الواحد بوده است؟

به همین دلیل مرحوم آقای خویی در کتاب تکیه بر این دارد که شیخ باید واحد باشد و همین شیخ واحد، دو طریق داشته باشد. ایشان اصلا وارد این بحث نشده که با طریق دیگر نجاشی، طریق شیخ طوسی را تصحیح کنند. این سخن بسیار سست است و آقای خویی نیز بحثی به این سستی نمی زنند.

در نتیجه، روشی که آقای خویی برای تصحیح طریق شیخ طوسی بیان کردند، صحیح نیست. البته آقای خویی بین نسخه و کتاب تفکیک نکرده است و تنها بیان می کند: همان کتابی که به نجاشی داده است، به شیخ نیز داده است. این ذهنیت مبتنی بر این است که طرق همراه با مناوله است در حالی که عمده طرق، اجازه عامه مجرّده از مناوله است و ایشان اصلا آن را تصویر نکرده است در حالی که این تصویر، در بحث بسیار مؤثر است. طرق تحمّل حدیث نیز انواعی دارد که یکی از آنها صرف اجازه است و در جایگاه خویش بیان کردیم که طرقی که شیخ طوسی و نجاشی بیان کردند و تصریح نمی کنند که به قرائت و سماع است، طرق اجازه ای صرف است.

سوال: اگر به فرض، اجازه همراه با مناوله باشد، مناوله دو نسخه متفاوت به دو شاگرد، خلاف وثاقت نیست؟ با تمسک به وثاقت استاد، وحدت نسخه اثبات می شود.

پاسخ: امکان دارد استاد دو نسخه متفاوت که هر دو نسخه را تأیید می کند به دو شاگرد داده باشد. تأیید نسخه نیز تأیید فی الجمله است نه آنکه تک تک الفاظ موجود در نسخه را تأیید کند.

از مطالب بالا روشن شد که طرق فهرست شیخ طوسی جنبه تشریفاتی دارد و طرق اجازه ای است. اما برخی آقایان به طرق شیخ حرّ عاملی نیز توسعه دادند به این بیان که نسخ چاپی کافی معتبر نیست و چون شیخ حرّ عاملی طریق دارد، نسخه شیخ حرّ عاملی معتبر است. این مطالب را کسانی بیان می کنند که آشنایی با طرق و اجازات ندارند. در حالی که مناوله یدا بید سال ها قبل، منسوخ شده بوده است. در اجازه ای که آقا حسین خوانساری می دهد می گوید: من اجازه می دهم در حالی که نمی دانم اجازه به درد می خورد. در مقدمه منتقی الجمان که حدود صد سال قبل از شیخ حرّ عاملی است، آمده است: از طرق تحمّل حدیث تنها اجازه باقی مانده است. شهید اول در جایی اجازه عامی دارد که به هر کس که جزئی از حیات مرا درک کرده است، اجازه می دهم. این اجازه صرفا تشریفاتی است.[[6]](#footnote-6)

به تعبیری دیگر، اجازه نشانگر اعتماد به شاگرد است و تأیید شخصیت مُجاز است و استاد تأیید می کند که شایستگی نقل حدیث را داری. اجازات معمولا پر از اطلاعات تاریخی است و یکی از منابع مهم فرهنگی ما اجازات است. استاد گاهی زندگی خود و اساتید را مطرح می کند و نصایحی را در اجازات می گنجاند. با ارزش بودن اجازات حرفی است و تأثیر اجازات در تصحیح روایات، مطلب دیگری است.

مرحوم حاجی نوری اهتمام علما به اجازات را دلیل بر آن دانسته که اجازه تعبّدا دخالت در تصحیح روایت دارد اما این مطلب ربطی به بحث ما ندارد که ما درباره طریقیت اجازات بحث می کنیم که قطعا هیچ گونه طریقیتی ندارد. برخی از افراد می گویند: فقط کسی که اجازه گرفته، می تواند روایت نقل کند. اما این مطلب نادرست است. بله اجازه گرفتن، احترام گذاشتن به حدیث است و خود تیمّن و تبرّک نیز مطلب مهمی است اما نباید با تصحیح روایت به واسطه اجازه، خلط شود. اجازه اجتهاد نیز به نحوی تشریفاتی است آیت الله والد در جرعه دارند که مرحوم حاج شیخ به آقایی گفته بود: که آقا سید احمد زنجانی از ما درخواست اجازه اجتهاد نکرد. آیت والد می گوید: به ایشان عرض کردم که چرا از حاج شیخ اجازه اجتهاد نگرفتید؟ ایشان فرمود: اجازه اجتهاد، ثبوتا تأثیری ندارد و اثباتا نیز من کسی نیستم که از آن استفاده کنم. اگر شخصی در منطقه ای بخواهد عالم دینی باشد، برای نفوذ حرف او و تأثیر در بین مردم، اجازه اجتهاد و تأیید استاد، مؤثر است.

در کلمات مرحوم آقا تقی قمی، مرحوم منتظری و مرحوم هاشمی نکاتی وجود دارد که در جلسه آینده به سرعت آنها را مرور می کنیم.

1. [الفهرست، شیخ طوسی، ج، ص93.](http://lib.eshia.ir/14010//93/) [↑](#footnote-ref-1)
2. سیر اعلام النبلاء- ط الرساله؛ ج15، ص: 567 [↑](#footnote-ref-2)
3. [معجم رجال الحدیث، السید أبوالقاسم الخوئی، ج1، ص82.](http://lib.eshia.ir/14036/1/82/) [↑](#footnote-ref-3)
4. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج، ص259.](http://lib.eshia.ir/14028//259/) [↑](#footnote-ref-4)
5. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج، ص95.](http://lib.eshia.ir/14028//95/) [↑](#footnote-ref-5)
6. منقول است که از صوفیه پرسید که خرقه که از استاد به شاگرد می رسد، چه فایده ای دارد؟ گفت: همان فایده ای که اجازات علمای شما دارد. [↑](#footnote-ref-6)